درباره چپ مصدقی

امیر طیرانی

برگزاری مناظره میان دو استاد دانشگاه دکتر موسی غنی‌نژاد و دکتر مسعود درخشان در سیمای جمهوری اسلامی بحث و گفت‌وگوهای فراوانی را مطرح کرد؛ اما هنوز تب‌وتاب آن مصاحبه فروکش نکرده بود که مناظره دیگری میان دکتر غنی‌نژاد و علی علیزاده برگزار شد و بار دیگر دیدگاه‌های دکتر غنی‌نژاد درباره اقتصاد آزاد و... بر سر زبان‌ها افتاد. بحث‌هایی که در آن دو مناظره میان دکتر غنی‌نژاد و طرف‌های مقابلش که یکی از آنها مانند دکتر غنی‌نژاد دانش‌آموخته و کارشناس امور اقتصادی است و علی علیزاده که مانند بسیاری از حاضران در عرصه رسانه درباره همه چیز از اقتصاد و سیاست و امور بین‌الملل و... صحبت می‌کند، طبیعتا موافقان و مخالفانی دارد؛ اما در این یادداشت هدف ارزیابی نظرات مطرح‌شده در این دو مناظره که بخش عمده آن درباره مسائل اقتصادی بود، نیست. اقتصاد دانشی مستقل و مجزاست و کسانی مانند من که دانش‌آموخته این رشته نیستم، حق اظهارنظر و ورود در آن را ندارم؛ اما غرض من از نوشتن این یادداشت یادآوری یک نکته مهم به بزرگان و اهل نظری است که درباره همه چیز و همه امور خود را صاحب‌نظر می‌دانند و به خود اجازه می‌دهند در رسانه‌های جمعی درباره آن طرح نظر کنند. و از آنجا که جناب دکتر غنی‌نژاد را استادی محترم و کارشناس صاحب‌نظر در زمینه دیدگاه‌های لیبرالیستی می‌دانم، روی سخنم در این یادداشت فقط با ایشان است.

دکتر غنی‌نژاد در گفت‌وگو و مناظره با دکتر درخشان بار دیگر اصطلاحی را به کار بردند که پیش‌ازاین نیز از آن سود جسته بودند؛ «چپ مصدقی». ایشان طرفداران دکتر مصدق را به دو دسته و شاید هم بیشتر تقسیم کرده‌اند؛ ولی همواره نقدهای ایشان صرفا متوجه دیدگاه‌ها و عملکرد خود دکتر مصدق و نیز گروهی از طرفداران ایشان است که آنها را چپ مصدقی می‌نامند. ایشان هیچ‌گاه در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود نه نامی از باقی هواداران مصدق که قاعدتا باید آنها را راست مصدقی یا مصدقی راست بنامند، به میان نیاورده و دیدگاه‌های آنها را نیز نقد نکرده‌اند. به عقیده دکتر غنی‌نژاد و از منظر ایشان دکتر مصدق و این چپ مصدقی از زمان ملی‌شدن نفت تاکنون عامل بدبختی و عقب‌افتادگی ایران به شمار می‌روند و به همین سبب عنوان مصاحبه ایشان با روزنامه «شرق» نیز چنین است: «تأثیر مخرب مصدق».

داوری درباره هر موضوع و به‌ویژه افراد و موضوعاتی که در تعیین سرنوشت ملت دخیل و تأثیرگذار است به طور طبیعی حق همگان است؛ به‌ویژه آنکه این فرد استاد دانشگاه باشد. فردی که در نظر عموم کسی است که بدون دانش و آگاهی درباره فرد یا موضوعی سخن نمی‌گوید و داوری نمی‌کند؛ ولی مشکل و گرفتاری منِ خواننده از زمانی آغاز می‌شود که مشاهده می‌کنم به هنگام خواندن مطالب استاد با اغلاطی پرتعداد مواجه می‌شوم و چنین به نظر می‌رسد؛ چون فردی استاد اقتصاد است که برای داوری درباره یک موضوع تاریخی نیز دانش اقتصادی او کفایت می‌کند؛ درحالی‌که چنین به نظر می‌آید که حتی یک استاد اقتصاد نیز برای قضاوت درباره یک واقعه تاریخی یا فردی که در تاریخ معاصر ایران نقش‌آفرینی کرده است، نیاز به آن دارد که به منابع و تحقیقات تاریخی رجوع کرده و براساس مستندات تاریخی بگوید و بنویسد. برای آنکه درباره میزان تسلط استاد گرامی درباره تاریخ ایران و ازجمله داوری ایشان درباره کودتای ۲۸ مرداد، ماهیت رژیم پهلوی که ایشان درباره آن گاه‌وبی‌گاه سخن می‌گویند، بیشتر آشنا شویم، ضروری است تا به چند داوری ایشان در این زمینه اشاره کنیم. در نگاه دکتر غنی‌نژاد مصدق فردی پوپولیست بود. برداشتی نزدیک به برداشتی که شاه و اسدالله علم مصدق را به آن متهم می‌کردند: «دماگوژ» (عوام‌فریب-مردم‌فریب) و نیز مانند توصیفاتی که حزب توده مصدق را به آن متصف می‌کرد: «عوام‌فریبان که آخرین تیر ترکش استعمار محسوب می‌شوند، کسانی محسوب می‌شدند که همیشه سینه خود را سپر تیر بلایا و مخالفت می‌کنند و همیشه پرچم‌دار حفظ استقلال و آزادی کشورند؛ ولی حتی یک بار هم دیده نشده است که به نفع استقلال و آزادی واقعی کشور و به نفع حقوق مردم و قانون اساسی کوچک‌ترین اقدام مفید و مؤثری کرده باشند» (به سوی آینده ۲۳ مهر ۱۳۲۹). از نگاه دکتر غنی‌نژاد ملی‌شدن صنعت نفت و اندیشه و عملکرد دکتر مصدق تأثیر مخربی بر سرنوشت ایران بر جای گذاشته است. از نگاه ایشان ملی‌شدن صنعت نفت به رواج شوونیسم (ملت‌گرایی افراطی) مانند اقدامات رضاشاه منتهی می‌شد (اعتماد ملی، ۸۸/۱/۱۵)؛ ولی به هر صورت این برداشت و تحلیل یک فرد درباره یک شخصیت و واقعیت تاریخی است که نمی‌توان با وجود همه ضعف و نادرستی کسی را از داشتن آن منع کرد و آزادی عقیده را نفی و نهی کرد؛ اما میزان درستی آرای دکتر غنی‌نژاد آن زمان بیشتر روشن می‌شود که اظهارات ایشان را درباره کودتای ۲۸ مرداد و ماهیت رژیم شاه می‌خوانیم. ایشان کودتای ۲۸ مرداد را نه‌فقط کودتایی آمریکایی-انگلیسی نمی‌داند؛ بلکه از اساس منکر کودتا هستند و معتقدند که این مردم بودند که به خیابان‌ها ریختند و مصدق را سرنگون کردند: «در ۲۸ مرداد برخلاف آنچه طرفداران مصدق روایت کردند، این اراذل و اوباش نبودند که به خیابان آمدند و علیه مصدق شعار دادند؛ چون در آن روز افرادی مثل شعبان جعفری در زندان بودند و نمی‌توانستند به خیابان بیایند و این مردم عادی بودند که برای حمایت از سلطنت به خیابان آمدند» (سازندگی، ۱۴۰۱/۵/۳۰). از استاد دانشگاهی مانند آقای غنی‌نژاد این اظهارنظر واقعا جای تعجب و شگفتی دارد. اولا که این تنها طرفداران مصدق نیستند که تظاهرکنندگان آن روز و مهاجمان به مراکز دولتی و اداره رادیو و دفاتر احزاب و سرانجام خانه دکتر مصدق را اراذل و اوباش می‌نامند. اگر استاد گرامی نگاهی به تحقیقات انجام‌گرفته در این زمینه از سوی مورخان و محققانی مانند مارک گازیروفسکی، برواند آبراهامیان، سپهر ذبیح و... بکنند، می‌بینند که به جز طرفداران دربار یا مأموران سیا و اینتلیجنت سرویس، مابقی ناظران وقایع آن روز یا محققان بی‌طرف هم، دارودسته‌ای که از محله بدنام تهران به سرکردگی امثال پری آژدان قزی و ملکه اعتضادی به راه افتادند یا جماعت دیگری را که به رهبری و تحریک امثال برادران هفت کچلون و ناصر جگرکی و حسین رمضان یخی و... در خیابان ظاهر شدند، اراذل و اوباش نامیدند.

از سوی دیگر مگر در آن دوران تنها لات و اوباش تهران و سردسته اراذل و اوباش شعبان جعفری بود که در غیاب او اراذل و اوباش بی‌سرپرست مانده و نتوانند عده‌ای را برای مخالفت با مصدق به خیابان‌ها بیاورند. اگر جناب استاد اندک رجوعی به روزنامه‌ها و نیز تحقیقات انجام‌گرفته درباره کودتای ۲۸ مرداد می‌کردند، به‌آسانی به اسامی سرکردگان اراذل و اوباش که در آن روز به خیابان‌ها آمدند، پی می‌بردند. بله، شعبان جعفری تا بعدازظهر ۲۸ مرداد که از زندان آزاد شد، نقشی در تظاهرات و حمله به مراکز دولتی و مرکز رادیو و... نداشت؛ ولی در غیاب او تا ساعت ۳ بعدازظهر کسانی مانند برادران عباسی (هفت کچلون)، طیب و طاهر حاج‌رضایی، حسین رمضان یخی (اسماعیل‌پور) و برادرش نقی اسماعیل‌پور، محمود مسگر، بیوک صابر، ناصر حسن‌خانی (جگرکی)، اصغر استادعلی نقی (سسکی) و... این وظیفه را به نحو احسن انجام دادند. طیب حاج‌رضایی درباره فعالیت خود در آن روز می‌گوید: «فورا فرستادم ۱۰ بار چوب خریدند و چند تا قمه و دشنه هم که داشتیم. بچه‌ها را جمع کردیم و با کامیون و جیپ آمدیم شهر... . خلاصه می‌دانید که آن روز چه کار کردیم؛ یعنی همه می‌دانند که چطور شد و چطور نشد».

سردسته‌های آن کسانی که دکتر غنی‌نژاد از آنها به نام مردم یاد می‌کند، ۱۰ روز بعد از ۲۸ مرداد در مراسمی که به منظور قدردانی از زحمات‌شان در سرنگونی دکتر مصدق کشیده بودند، در ملک خصوصی سپهبد زاهدی نخست‌وزیر کودتا برگزار شد، شرکت کردند. یک ماه بعد از آن هم عده دیگری از همین افراد به دیدار شاه رفتند. گزارش کامل این مراسم در اطلاعات هفتگی مورخ ۲۷ شهریور ۱۳۳۲ درج شده است.

دکتر غنی‌نژاد در همان‌جا درباره رویکرد سیاسی دکتر مصدق می‌نویسد: «دکتر مصدق سیاست‌مداری دارای افکار و رویکردی سازگار و منسجم نبود که بتوانیم او را مشروطه‌خواه، تجددطلب، دموکرات یا لیبرال بدانیم. اندیشه سیاسی او ملغمه‌ای از دیدگاه‌های سنتی و متجدد و حتی متناقض بود که نتیجه طبیعتا می‌توانست گفتارها و رفتارهای بسیار متفاوتی باشد». (همان منبع). اگر به گمان آقای دکتر غنی‌نژاد، دکتر مصدق مشروطه‌خواه، دموکرات و تجددطلب نبود، می‌شود چنین برداشت کرد که آنها که در مقابل او صف‌آرایی کردند و طیف وسیعی از حزب توده تا شاه و دربار و عوامل کشورهای بیگانه در ایران بودند، دارای چنین ویژگی‌ها و اندیشه‌هایی بودند؟ آیا برادران رشیدیان، سیدضیاءالدین طباطبایی، برادران تفضلی، فرخ کیوانی، علی جلالی، میراشرافی، تیمور بختیار، تیمسار آزموده، سپهبد زاهدی و فرزندش اردشیر، مشروطه‌خواه، تجددطلب و دموکرات بودند؟ یا شاه و خواهرش اشرف و ملکه مادر دارای چنین تمایلات آزادی‌خواهانه‌ای بودند؟

ایشان در ادامه بحث کوتاه خود در یادداشت: «تأثیر مخرب مصدق» بدون آنکه شاهد مثالی درباره افکار و عملکرد متناقض مصدق بیاورد، موضوع دیگری را پیش کشیده و به میراث مصدق برای مخالفان رژیم شاه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ اشاره کرده، می‌نویسد: «جریان‌های سیاسی و روشنفکری ضد مشروطه و ضد تجدد در میان نسل جوان سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ عمدتا ریشه در جریان چپ مصدقی دارد و طبق معمول به سراغ دو نفر می‌رود و می‌نویسد: «از تأثیرگذارترین نمایندگان فکری این جریان می‌توان از جلال آل‌احمد و دکتر شریعتی نام برد. تأثیر این جریان بر تاریخ معاصر ما داستان شگفت‌انگیزی است... اگر دکتر مصدق در ظاهر از مشروطه و حکومت قانون دم می‌زد و در عمل کار دیگری می‌کرد، مصدقی‌های متأخر تعارف و ظاهر را کنار گذاشتند و آشکارا شمشیر از رو کشیدند و عملا با شعارهای احساسی به خدمت ارتجاع آمدند و میراث گرانبهای مشروطیت، تجدد و حکومت قانون را به سخره گرفتند».

چنین به نظر می‌رسد که اشکال استاد گرامی اقتصاد، فراموشی تحولات تاریخ معاصر ایران است. آیا تمام جریاناتی که در دهه ۱۳۴۰ رو به مبارزه مسلحانه آوردند، متأثر از مصدق، شریعتی و جلال آل‌احمد و به‌اصطلاح چپ مصدقی بودند؟ حزب ملل اسلامی، هیئت‌های مؤتلفه اسلامی، مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی خلق و... جملگی بدون آگاهی و جمع‌بندی از مبارزات پارلمانتاریستی سال‌های گذشته، بدون آگاهی از فضای جهانی و... فقط به صِرف اندیشه مصدق رو به سوی مبارزات قهرآمیز آوردند و به قول شما شمشیر از رو کشیدند؟

دکتر غنی‌نژاد همچنین معتقدان به دکتر مصدق و تجدد را عامل به‌سخره‌گرفتن مشروطیت و تجدد و در خدمت ارتجاع معرفی می‌کنند. آیا منظور ایشان از به‌سخره‌گرفتن مشروطیت، شرکت‌نکردن در انتخابات فرمایشی دوره نوزدهم به بعد بوده است؟ یا منظور از حکومت قانون، حکومت پهلوی در دوران بعد از مرداد ۱۳۳۲ است. اگر منظور ایشان چنین است به نظر می‌رسد که خوب است تورقی در یادداشت‌های علم وزیر دربار شاه بکنند که درباره ماهیت رژیم شاه چنین می‌نویسد: «اسدالله علم: [به سفیر آمریکا] گفتم: شما خیال نکنید من در تاریکی می‌رقصم. من می‌دانم که خدمتگزار یک دیکتاتور قوی هستم؛ ولی می‌دانم که نفع این دیکتاتور هزاران برابر ضرری است که به کشور ممکن است بزند. اگر اقدام شدید یا تنبیه می‌کند، به خاطر مملکت است... به‌علاوه به من نوکر خود اجازه گفت‌وگو و مباحثه می‌دهد... من با عِلم به یک محیط دیکتاتوری با سربلندی خدمت می‌کنم» (علم سال ۵۲:۷۴).

آیا در نظر دکتر غنی‌نژاد، اسدالله علم هم یک مصدقی چپ بود که رژیم شاه را دیکتاتوری می‌دانست؟ پاسخ این سؤال را من نمی‌توانم بدهم.

یادداشت

ظرفیت احیای برجام

معین شرقی
کارشناس حقوقی

سفر سلطان عمان به ایران، اذهان فعالان سیاسی و اقتصادی را به سمت رقم‌خوردن شرایط تازه‌ای در حوزه احیای برجام و گسترش دیپلماسی سیاسی اقتصادی کشور در حوزه غرب معطوف کرده است. پس از خروج یک‌طرفه و بی‌منطق آمریکا از برجام، وضعیت دیپلماسی ایران با کشورهای غربی با فراز و فرود متعددی همراه شد که تقریبا سطح روابط اقتصادی و سیاسی تاریکی را به‌دنبال داشت. عده‌ای در داخل کشور، مشغول تندروی شده و از برجام به عنوان دیپلماسی ملتمسانه یاد کردند و مدعی شدند که امورات کشور بدون نیاز به تعامل با بخشی از دولت‌های جهان نیز قابل مدیریت است. رویکردی سیاسی نیز سمت‌وسوی دیپلماسی کشور را به طرف بلوک شرق (چین و روسیه) کشاند. این پایان موضوع نبود، در این مدت تحریم‌ها و فشارهای ظالمانه و ناروا کشور و مردم را در تنگنای شدید قرار داد. شیوع پاندمی کرونا و جنگ روسیه و اوکراین نیز بر شرایط اقتصادی ایران کم‌تأثیر نبود. حفره‌های تبادل اقتصادی ایران به‌صورت غیررسمی در اثر جنگ روسیه و اوکراین و تحریم‌های روسیه بسته شد. و با ورود روسیه به بازارهای غیررسمی تأمین ارز و درآمد کشور دچار اختلال شد. اعتراضات اجتماعی داخلی و موانعی که وجود داشت امکان تعدیل قیمت سوخت را مانع شد و درنهایت شاهد جهش اساسی نرخ ارز و تنگ‌شدن معیشت مردم بودیم. اما سؤال اساسی اینجاست که آیا همچنان بر عدم نیاز به تعامل با کشورهای اروپایی و غربی باید اصرار کرد؟ تجربه ایام روابط تاریک اقتصادی، برای ضرورت تعامل همه‌جانبه کشور صحه‌گذار نیست؟ واقعیت اینجاست که با گسترش سرعت تعاملات اقتصادی در دنیا و شرایطی که جهان به سوی رفع حد و مرز در روابط و تعاملات می‌رود، امکان حصارکشیدن در روابط بین‌المللی ممکن نیست. به هر شرایط اقدامات و خیانت‌های برخی از دولت‌ها به کشور هیچ‌گاه قابل چشم‌پوشی نیست، اما آیا سطح‌بندی روابط بین‌الملل در این حوزه نمی‌تواند راهگشا باشد؟ تعامل اقتصادی و دیپلماسی سیاسی در اقسام سطوح قابل تصور است، وجود رابطه بین‌المللی با هر کشوری الزاما به معنای تحت سیطره رفتن به سود کشور بیگانه یا بازگذاشتن شرایط سوءاستفاده کشورها نیست و روابط هدفمند و سطح‌بندی‌شده با تمام کشورهای جهان در افزایش توانمندی کشور به‌شدت راهگشاست. توافقی بین‌المللی تحت عنوان برجام با دولت‌های غربی نیز از این قاعده مستثنا نیست. تیم دیپلماسی کشور در شرایط حاضر باید دغدغه‌های معیشتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مردم را درک کرده و در راستای بهبود آنها اقدام کند. مردم کشور نیازمند رفاه اجتماعی و اقتصادی و برخورداری از سطح قوی اعتبار در جهان هستند. تأمین نظر و معیشت مردم و اعتبار ایرانی‌بودن آنها در گرو تعاملات بین‌المللی در سطوح مختلف است. تعاملات بین‌المللی الزاما به معنای گسترش روابط فوق دوستانه با برخی کشورها نیست. با حفظ خطوط قرمز حاکمیت نیز امکان روابط سطح‌بندی‌شده وجود دارد. سفر سلطان عمان در راستای ایجاد صلح منطقه‌ای و بین‌المللی، گسترش روابط با عربستان و بازگشت تعاملات عادی با دولت‌های غربی، از انتظارات مسلم مردم از دستگاه حاکم بر دیپلماسی است. شرایط فعلی همکاری بین‌المللی زمینه‌ساز توافق برد - برد و گسترش دیپلماسی را ایجاد کرده که توجه‌نکردن به آن مصداق عینی فرصت‌سوزی است.

جدول ۴۵۱۰ • طراح: بیژن گورانی

افقی: ۱- مسجد منسوب به امام زمان(عج) در قم- دشت طبیعی زیبا بین شیراز و کازرون- بازداشتن از انجام کاری ۲- زیبایی قابل درک اما توصیف‌ناپذیر- ترتیب- بخش مایع و شفاف خون ۳- جای ماسوره در چرخ خیاطی- نوعی بیماری که بر میزان قند خون تأثیر می‌گذارد- بدون همسر بودن ۴- کربن خالص- تابناک- سودای ناله ۵- از آفات نباتی- لرزنده- مردار ۶- عارضه‌ای پوستی- میل به غذا- خرده‌سنگ ۷- کوچک‌ترین واحد شیمیایی سازنده مواد- رنگین‌کمان ۸- شریک زندگی- مراعات آداب و رسوم- مجموعه قوانین چنگیزخان ۹- گلخنی- تحمل‌ناپذیر و طاقت‌فرسا ۱۰- بی‌هوشی- سرخرگ- مخفی ۱۱- معبد یهودیان- بی‌خبر از خود- از بند رسته ۱۲- بوی رطوبت- رشوه‌دادن- از پیامبران بنی‌اسرائیل ۱۳- کلفت و ضخیم- ژانری سینمایی- ظرف جوشاندن آب ۱۴- آوازی در دستگاه شور- پولدار- تلخ ۱۵- سمت‌وسو- خوراک- پربیننده‌ترین فیلم دهه ۹۰ سینمای ایران به کارگردانی ابوالحسن داوودی و بازی رضا عطاران

عمودی: ۱- سال‌ها دل طلب ... از ما می‌کرد- هلاک‌کننده- بافنده ۲- کوهی در مکه- ضرورت- به یکدیگر نامه نوشتن ۳- از جاذبه‌های گردشگری تهران بازمانده از دوره قاجار- پوتین ۴- پیغمبر- صادق و بی‌ریا- واضع شریعت ۵- یک و یک- آکنده و سرشار- نوعی کارد نوک‌تیز- تکرار حرفی ۶- مرطوب- چراغ پیه‌سوز قدیمی- با دل و جرئت ۷- فاقد تحرک و پویایی- وضع حمل ۸- ضمیر متکلم وحده- پایتخت ترکمنستان- امت‌ها ۹- نوعی شیرینی- پایان، انتها ۱۰- پدر پینوکیو- ساختمان کروی‌شکل در هسته سلول- طعام عروسی ۱۱- دختر کارتونی که با پدربزرگش به دنبال مادرش بود- تازیانه- شکافته- صدای زنبور ۱۲- الهه اندیشه و هنر در اساطیر یونان- دانه معطر ضد نفخ- بدون آستر ۱۳- بافتن- از آثار خواجه نصیرالدین طوسی ۱۴- مشایعت- ساکنان- نوعی سطح شیب‌دار ۱۵- قوه حافظه- قیمت نامطلوب- به‌تازگی

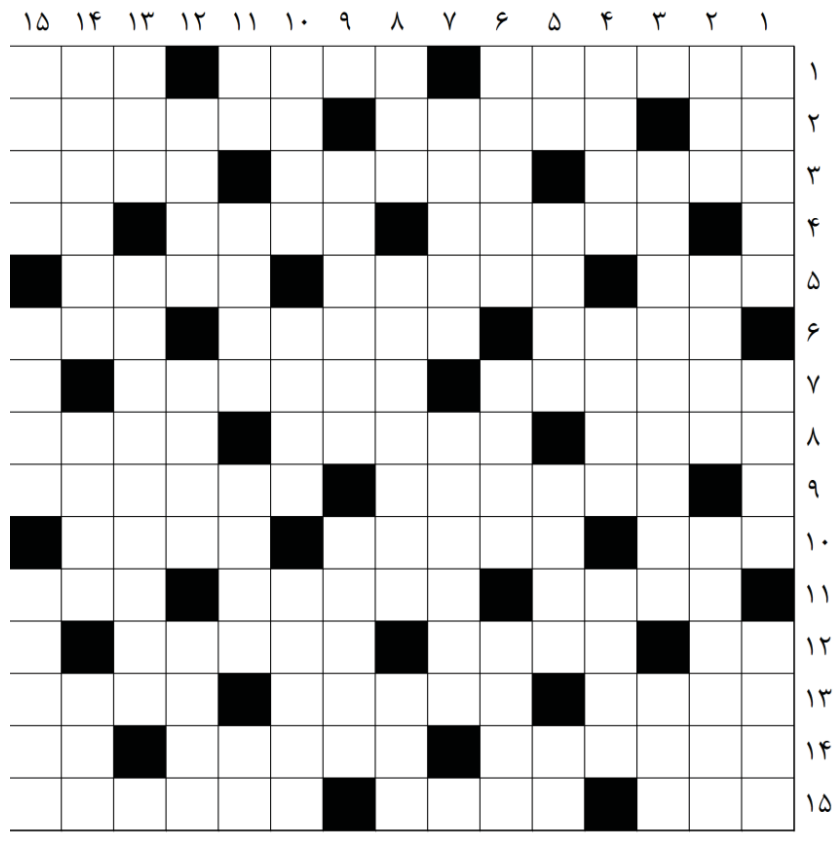

حل سودوکو سخت

۱	۴	۳	۷	۸	۲	۹	۵	۶
۵	۲	۷	۳	۹	۶	۴	۸	۱
۸	۶	۹	۵	۴	۱	۲	۷	۳
۲	۳	۵	۶	۷	۹	۱	۴	۸
۶	۱	۸	۲	۳	۴	۷	۹	۵
۹	۷	۴	۱	۵	۸	۶	۳	۲
۳	۵	۱	۴	۲	۷	۸	۶	۹
۴	۸	۲	۹	۶	۳	۵	۱	۷
۷	۹	۶	۸	۱	۵	۳	۲	۴

حل سودوکو ۳۵۰۵

۷	۵	۸	۹	۶	۱	۴	۲	۳
۳	۶	۴	۲	۵	۷	۹	۱	۸
۹	۲	۱	۳	۴	۸	۷	۶	۵
۵	۴	۳	۷	۱	۹	۶	۸	۲
۲	۱	۷	۴	۸	۶	۵	۳	۹
۶	۸	۹	۵	۳	۲	۱	۴	۷
۸	۷	۵	۱	۲	۴	۳	۹	۶
۴	۳	۶	۸	۹	۵	۲	۷	۱
۱	۹	۲	۶	۷	۳	۸	۵	۴

حل جدول ۴۵۰۹

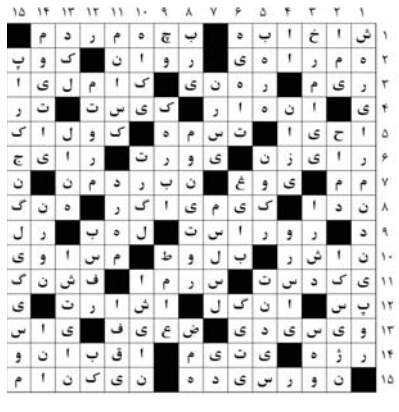

سودوکو سخت ۳۵۰۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۶			۲	۴			۸
۳		۹			۸	۲		
			۱			۷		
۴			۲					۶
		۵				۴		
۶					۵			۳
		۸			۷			
		۷	۸			۹		۱
۹			۵	۳			۴	

سودوکو ساده ۳۵۰۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۸		۱				
		۵	۲		۸	۴	۱	
۲	۹	۱	۴					۶
	۲			۳	۴		۹	
۵	۱						۴	۲
	۴		۱	۸			۳	
۹					۷	۳	۵	۱
	۵	۴	۹		۱	۷		
				۵		۹		